

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

عنوان:

مردم سالاری دینی

دانشجو:

فاطمه منفرد

استاد راهنما:

دکتر عبدالحسین رضایی راد

استاد مشاور:

دکتر محمد علی حسینی منش

بهمن ماه ۱۳۸۸

تقدیم بہ ساحت مقدس امام زمان

(عج الله تعالی فرجه الشریف)

تقدیم بہ پدرم، اسطوره پایداری، او کہ دستان کرش ہمیشہ تکیہ گاہ من بوده است

و

تقدیم به مادرم، او که نگاه مهربان و لبان دعاگویش بهترین مشوق من بوده است

و

تقدیم به برادران و خواهرانم

تقدیر و تشکر

ستایش آن مهربان هستی بخش که موهبت درک و شناخت را به من بخشود تا بتوانم لذت درک علوم را بچشم و همواره در این راه یاریم کرد. و اما پایان هر تلاشی ابتدای قدردانی است، قدردانی از تمام کسانی که با راهنماییها و حمایت‌هایشان به ثمر رسیدن تلاش را ممکن ساخته‌اند. بر خود لازم می‌دانم از همه عزیزانی که راه را نشانم دادند و این اشتیاق را در من بوجود آوردند تا نا امید نگردم از نرسیدن، قدردانی کنم.

از استاد راهنمای اندیشمند و فرزانه‌ام، آقای دکتر رضایی راد که در طول مدت اجرای این پایان نامه و در طول تحصیل از همراهی و همیاری دلسوزانه و صمیمانه‌ی ایشان برخوردار بوده‌ام و همواره پیشنهادهای ایشان راه گشای مشکلاتم بود، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از استاد مشاور دکتر حسینی منش که در طول تحصیل و انجام پایان نامه مرا از دریای علم خویش بهره‌مند ساخت، سپاسگزارم.

از اساتید بزرگوار دکتر نشان و دکتر آل طاها که در طول تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد افتخار شاگردی‌شان را داشتم، سپاسگزارم.

همچنین از دوستان عزیزم که در دوره‌ی تحصیل مرا یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: اقسام حکومت‌ها.....
۲.....	ضرورت حکومت.....
۴.....	گفتار اول: نظام سلطنتی و دیکتاتوری.....
۵.....	بند ۱- اقسام حکومت سلطنتی.....
۵.....	بند ۲- نقد حکومت سلطنتی دیکتاتوری.....
۶.....	گفتار دوم: نظام اشرافی (اریستوکراسی).....
۷.....	نقد حکومت شرفی.....
۸.....	گفتار سوم: دموکراسی.....
۸.....	بند ۱: تعریف دموکراسی.....
۹.....	بند ۲: تاریخچه پیدایش دموکراسی.....
۱۰.....	بند ۳: انواع دموکراسی.....
۱۰.....	الف- دموکراسی یونانی.....
۱۲.....	اصول و مبانی دموکراسی یونانی.....
۱۳.....	ب- مردم‌سالاری در عصر جدید.....
۱۴.....	۱- اصول و مبانی مردم‌سالاری در عصر جدید.....
۱۴.....	۱-۱- مشارکت عمومی.....
۱۶.....	۱-۲- عرصه‌های مشارکت عمومی.....
۱۸.....	۲- وجود آزادی.....
۱۸.....	تعریف آزادی.....
۲۰.....	۱-۳- چندگانگی سیاسی.....
۲۱.....	۱-۴- برابری مردم.....

- ۲۲..... ۱-۵- رضایت و قبول عامه
- ۲۳..... ۱-۶- توزیع قدرت
- ۲۴..... بند ۴: نقاط اشتراک و افتراق دموکراسی یونانی با مردم‌سالاری عصر جدید
- ۲۵..... بند ۵: اقسام دموکراسی عصر جدید
- ۲۶..... الف- دموکراسی مستقیم (مباشری)
- ۲۸..... ب- دموکراسی غیرمستقیم (نیایی)
- ۲۹..... ج- دموکراسی نیمه‌مستقیم
- ۳۰..... بند ۶: ایرادات دموکراسی
- ۳۷..... گفتار چهارم: حکومت دینی
- ۲۸..... تعریف دین
- ۳۹..... بند ۱- اقسام حکومت دینی
- ۴۱..... بند ۲- تفاوت میان حکومت دینی و حکومت اسلامی
- ۴۴..... نقد حکومت دینی و اسلامی
- ۵۴..... فصل دوم: مردم‌سالاری دینی
- ۵۵..... تعریف مردم‌سالاری دینی
- ۵۷..... گفتار اول: ارکان مردم‌سالاری دینی
- ۵۷..... بند ۱- حاکمیت دین و خدا
- ۵۸..... بند ۲- رضایت مردم
- ۵۹..... بند ۳- برابری و مساوات در برابر قانون
- ۶۲..... بند ۴- قانونگرایی
- ۶۳..... بند ۵- توزیع قدرت
- ۶۴..... بند ۶- چندگانگی سیاسی
- ۶۵..... بند ۷- وجود آزادی

- گفتار دوم: رابطه دین و مردم سالاری ۶۶
- بند ۱- موافقان نظریه مردم سالاری دینی ۶۶
- بند ۲- مخالفان نظریه مردم سالاری دینی ۷۰
- دلایل مخالفان مردم سالاری دینی ۷۰
- راه حل های تعارض ۷۲
- الف- تصرف در معنای مردم سالاری ۷۲
- ب- جدایی دین از سیاست ۷۳
- ج- منطقه الفراغ ۷۴
- گفتار سوم: مبانی مردم سالاری دینی در اسلام ۷۵
- بند ۱- مشورت با مردم ۷۵
- بند ۲- پاسخگویی ، حسابرسی و مسوولیت خواهی ۷۹
- بند ۳- نظارت مردمی ۸۱
- بند ۴- انتقاد و انتقاد پذیری ۸۲
- گفتار چهارم: نقاط اشتراک و افتراق مردم سالاری دینی و دموکراسی غربی ۸۳
- گفتار پنجم: جایگاه مردم در مردم سالاری دینی ۸۸
- بند ۱- مشروعیت بخشی حکومت ۹۰
- الف- تعریف مشروعیت ۹۰
- ب- دلایل مشروعیت بخشی و نقد دلایل ۹۲
- بند ۲- کارآمد سازی حکومت ۹۵
- دلایل کارآمد سازی و نقد دلایل ۹۷
- گفتار ششم: اهداف مردم سالاری دینی ۱۰۲
- بند ۱- رشد و کمال انسان ۱۰۲
- بند ۲- ایجاد برابری اجتماعی و انسانی ۱۰۲

- بند ۳- تامین امنیت همگانی ۱۰۳
- بند ۴- اعطای حق تعیین سرنوشت ۱۰۴
- بند ۵- اجرای عدالت ۱۰۴
- گفتار هفتم: بررسی ایرادات وارد بر مردم سالاری دینی ۱۰۶
- بند ۱- متناقض بودن مردم سالاری و دین ۱۰۶
- بند ۲- مردم سالاری دینی و شکل برابری حقوقی ۱۰۷
- بند ۳- ناتوانی مدیریت فقهی ۱۰۸
- بند ۴- محجوریت مردم ۱۱۰
- فصل سوم: مردم سالاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۱۲
- پیشینه مردم سالاری در ایران ۱۱۳
- گفتار اول: جایگاه مردم سالاری در قانون اساسی ۱۱۴
- تعریف حاکمیت ۱۱۵
- گفتار دوم: حاکمیت در قانون اساسی ۱۱۵
- حاکمیت مردم ۱۱۶
- بند ۱- مردم قبل تدوین حاکمیت قانون از اساسی ۱۱۷
- الف- همه پرسی نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۱۷
- ب- خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی ۱۱۷
- ج- همه پرسی تصویب قانون اساسی ۱۱۷
- بند ۲- حاکمیت مردم بعد از تدوین قانون اساسی ۱۱۸
- الف- انتخاب رئیس جمهور ۱۱۸
- ب- انتخاب قوهی مقننه ۱۱۹
- ج- انتخاب نمایندگان شوراهای اسلامی ۱۲۰
- د- انتخاب خبرگان رهبری و انتخاب رهبر ۱۲۱

- ۱۲۲..... همه پرسى
- ۱۲۴..... نظارت همگانی
- ۱۲۵..... گفتار دوم: حاکمیت دینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۲۵..... اصول دسته اول
- ۱۲۷..... اصول دسته دوم
- ۱۲۷..... بند ۱- پایه ها وارکان نظام
- ۱۳۱..... بند ۲- ولایت فقیه در قانون اساسی
- ۱۳۱..... الف- ولایت فقیه در مقدمه قانون اساسی
- ۱۳۲..... ب- ولایت فقیه در اصول قانون اساسی
- ۱۳۳..... بند ۳- شورای نگهبان
- ۱۳۴..... نتیجه گیری

نام خانوادگی: منفرد دارنجانی	نام: فاطمه
عنوان پایان نامه: مردم سالاری دینی	
استاد راهنما: دکتر عبدالحسین رضایی راد	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی
محل تحصیل (دانشگاه): شهید چمران اهواز	
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	
تاریخ فارغ التحصیلی: بهمن ماه ۸۸	تعداد صفحات: ۱۴۰
کلیدواژه‌ها: مردم سالاری، دین، مشروعیت، حاکمیت	
<p>چکیده</p> <p>دموکراسی در مغرب زمین ، در مقابل دیکتاتوری و حکومت مونوکراسی مطرح شد و پایه ی این نظام، خواست مردم در امر حکومت بود. به گونه ای که مردم باید مصالح خود را تشخیص دهند و تعیین کننده ی مفاسد و زیان های خود باشند و تشخیص و خواست افراد قانون را وضع می کند و آن را به اجرا می گذارد در نتیجه می توان دموکراسی را "حکومت مردم بر مردم" نامید که به "مردم سالاری" ترجمه شده است</p> <p>تا به حال تعریف دقیق و جامعی از مردم سالاری ارائه نشده است اگر چه از میان تعاریف می توان به مشترکاتی دست یافت. از زمان مطرح شدن دموکراسی در نظام سیاسی مسلمانان ، امری مخالف با نظام اسلامی دانسته شد و در مقابله با این نظام ، متفکران نظریه های مختلفی را ارائه داده اند.</p> <p>عده ای آن را ضد دین و ناسازگار با آن دانستند و این که دین نمی تواند این نظریه را تایید کند و عده ای دیگر آن را عین دین دین دانستند و گروهی دیگر دموکراسی را به گونه ای تعبیر کردند که قابل اجتماع با دین باشد و این دیدگاه های متضاد درباره ی اجتماع دین و دموکراسی به اختلاف برداشت ها و تفسیر های متفاوتی بر می گردد که از دین و دموکراسی دارند.</p> <p>این رساله با هدف تبیین مبانی و محورهایی برای جلوگیری از افراط و تفریط در مردمی بودن و یا دینی بودن یک حکومت و ایجاد تعامل بین دین و مردم برای تشکیل یک حکومت دموکراتیک دینی انجام شده است، اصول و مبانی حکومت دموکراسی و حکومت مردم سالاری دینی را مورد بررسی قرار می دهد.</p>	

اهداف تحقیق

رساله با هدف تبیین مبانی و محورهایی برای جلوگیری از افراط و تفریط در مردمی بودن یا دینی بودن یک حکومت و ایجاد تعامل بین دین و مردم در یک حکومت برای تشکیل یک حکومت دموکراتیک و دینی تدوین گردیده است

پیشینه موضوع

حکومت مقوله‌ای است که همیشه مورد توجه بشر بوده است و بعد از رنسانس حکومت‌های دموکراتیک شکل گرفتند و متفکران شرقی نیز به تبع متفکران غربی در این زمینه کار کردند. اما به دلیل عدم ابتلاء تا قبل از انقلاب اسلامی کار زیادی در زمینه مبانی دینی حکومت انجام نشده است

و هنوز جای کار وجود دارد و در آثار کلامی در مبحث امامت و روشهای تعیین امام و خلیفه به دموکراسی اشاره شده است و در کتب فقهی در مبحث اجماع و در مبحث امور حسبیه، جنبه‌هایی از وظایف حکومت بیان شده است اما در مورد نحوه تعامل مردم سالاری و حکومت دینی به جز اشارات مختصری در آثار شهید مرتضی مطهری، آیت الله جوادی آملی و مطالب پراکنده‌ای در آثار آیت الله عمید زنجانی کار زیادی انجام نگرفته است.

روش تحقیق

شیوه و روشی که در این رساله اتخاذ گردیده است، روش کتابخانه‌ای از نوع پدیده شناسی و تا حدودی تطبیقی است که سعی در تطبیق دموکراسی غرب با دموکراسی در اسلام دارد و همچنین

مبانی فقهی دموکراسی را با تکیه بر موازین تایید شده و معیارهای موجود در علم فقه و اصول
و کلام مورد بررسی قرار میدهد.

مقدمه

پژوهش در مورد ماهیت حکومت اسلامی سابقه طولانی ندارد. زیرا اندیشمندان مسلمان از قدرت دور بوده‌اند و بیشتر مباحث آنان در مورد مسایل فقه فردی بوده است. اما در هزاره اول طرح مباحث مربوط به حکومت در لابلای مباحث فقهی و به صورت گذرا صورت می‌گرفت و بخش مستقلی به این موضوع اختصاص نیافته بود. اختصاص دادن قسمتی از کتاب عوائد الایام را می‌توان دور دوم نامید که این دور با ارائه مطالبی در مورد حکومت اسلامی در کتاب میر فتح حسینی مراغه‌ای در کتاب عناوین و مطالب شیخ انصاری در کتاب مکاسب و همچنین حاشیه‌هایی که بر کتاب شیخ انصاری نوشته شد، ادامه یافت. دور سوم آغاز نگارش مباحث مستقل در مورد حکومت اسلامی است که در زمان مشروطه توسط ایت الله میرزا محمد حسین نائینی در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله انجام گرفت.

این شیوه از حکومت اسلامی در ابتدا توسط میرزای نائینی مطرح شد و علامه طباطبایی نیز به آن اشاره کرد و امام خمینی (ره) به آن تصریح کردند و شاگردان ایشان همچون استاد مطهری نیز آن را توضیح دادند.

با انقلاب در ایران، حکومت "جمهوری اسلامی" شکل گرفت که در فروردین ۱۳۵۸ عنوان آن به همه پرسى گذاشته شد و مورد تصویب مردم قرار گرفت و حکومت مردم سالاری دینی تشکیل گردید.

این نظریه با ابهامهای مفهومی و پرسشهای مبنایی مواجه گردید و دو گروه با دیدگاه متفاوت با انتقاد از این نظام سیاسی به مخالفت با آن پرداختند. عده‌ای طرفداران حکومت دینی بودند که با نقد حکومت دموکراسی، تشکیل حکومت مردم سالاری را درست نمی‌دانستند؛ زیرا توجه به مردم و اهمیت دادن به آنان را منجر به نادیده گرفتن دین می‌دانستند.

عده‌ای دیگر، طرفداران دموکراسی بودند که با طرح این نکته که دموکراسی در سنت اسلامی وجود ندارد به مخالفت با این نظریه پرداختند.

از طرف دیگر، گروهی، دموکراسی را جز تفکیک‌ناپذیر دین دانسته و تشکیل نظام مردم‌سالاری را مطلوب و شایسته می‌دانند. با وجود این دیدگاه‌های متضاد، نیاز به بررسی بیشتر این نظریه احساس می‌شود.

با توجه به اینکه بهترین و کارآمدترین روش برای توزیع قدرت سیاسی مراجعه به آرای عمومی و مشارکت مردم است. اما در هر جامعه‌ای طبق شرایط فرهنگی آن جامعه، مردم در امور سیاسی شرکت خواهند کرد. بنابراین در حکومت اسلامی، مشارکت مردم در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی می‌باشد.

این رساله در سه فصل تدوین گردیده؛ فصل اول به بررسی انواع حکومت‌ها و نقد آن‌ها پرداخته است و تفاوت حکومت دینی و حکومت اسلامی را بیان می‌داند و در فصل دوم، به بررسی اصول و مبانی حکومت مردم‌سالاری دینی می‌پردازد و تفاوت حکومت دموکراسی غربی و مردم‌سالاری دینی مورد بررسی قرار می‌دهد و در فصل سوم مردم‌سالاری دینی را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد پژوهش قرار داده است.

فصل اول:

اقسام حكومتها

ضرورت حکومت

امروزه برکسی پوشیده نیست که هر جامعه و کشوری برای انجام امور جاری خود نیاز به تشکیل دولت یا حکومتی دارد که از هرج و مرج و بی‌نظمی جلوگیری نماید. و در سایه آن به حل و فصل مسائل خود بپردازد تا دسترسی به اهداف را آسان نماید.

حکومت را به می‌توان به نیروی اداره کننده امور کلی جامعه تعبیر کرد و اگر بخواهیم حکومت را به معنای واقعی آن تعریف کنیم بایستی بگوئیم: «حکومت نیرویی است مجموع و متشکل از قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه»^۱.

تشکیل حکومت به دلیل فطری بودن انسان و طبع جمعی او لازم و ضروری است. بنابراین باید در تعامل و رفتار با دیگران باشد. این رفتار جمعی نیاز به نظم و انتظامی دارد که در صورت وجود حکومت تحقق می‌یابد. نیاز به تشکیل حکومت، مختص به زمان حاضر نیست. وقتی که زندگی انسانها به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد، متوجه وجود دولتها و حکومتها در سرتاسر زندگی بشر می‌شویم. حتی در زمانهای ماقبل تاریخ- اگر چه حکومت شکل ساده و ابتدایی داشته و یا اینکه حکومتها محلی بوده‌اند -حکومت وجود داشته است. از دورانهای قدیم، فلاسفه و اندیشمندان بزرگ تاریخ بر لزوم حکومت تأکید داشته‌اند.

از نظر ارسطو، وجود دولت یک ضرورت اجتماعی است و انسان به طور فطری لزوم آن را درک می‌کند و می‌گوید: «دولت از مقتضیات طبع بشری است. زیرا انسان دارای سرشت مدنی است و ناگزیر است که به صورت اجتماعی زندگی کند»^۲.

۱- عنایت، حمید. بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۱۷

۲- سیاست، ارسطو، ترجمه احمد لطفی، ص ۱۵۰

ابن خلدون، وجود دولت را امری ضروری می‌داند و برای اثبات آن به اجتماعی بودن انسان یا به اصطلاح فلاسفه «مدنی بالطبع بودن» آن استدلال کرده و چنین نتیجه گرفته است که «تشکیل حکومت امر لازم و ضروری است».^۱

درباره حکومت و اقسام آن نظراتی وجود دارد که مؤید ضرورت تشکیل حکومت می‌باشد که به بیان آنها پرداخته می‌شود.

در طول تاریخ، حکومت اشکال مختلفی به خود گرفته است و به واسطه تحول و دگرگونی‌ها و با توجه به مقتضیات و شرایط جوامع تغییر شکل داده است. بنابراین به تعداد جوامع، حکومت وجود دارد. در دسته‌بندی حکومتها می‌توان بیان کرد:

«هیئت حاکمه می‌تواند حکومت را به تمام ملت یا به بزرگترین بخش آن بسپارد، به طوری که تعداد شهروندان کارگزار بیشتر از شهروندان عادی باشد؛ به این نوع از حکومت، دموکراسی نام داده‌اند.

یا حکومت به دست عده کوچک معین سپرده شود به نحوی که تعداد شهروندان عادی به مراتب بیش‌تر باشد به این نوع حکومت، اشرافی نام داده‌اند.

یا بالاخره هیئت حاکمه می‌تواند حکومت را به دست یک نفر، یک فرمانروا که بقیه، قدرت خود را از او می‌گیرند؛ بسپارد، این نوع سوم را معمولاً حکومت فردی یا حکومت پادشاهی می‌نامند

۳- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی جلد ۴۱-۴۰

۱- روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، ص ۲۷۹

در مجموع می‌توان حکومتها را با توجه به وجود حکومتهایی که مبنا و اساس آنها دین می‌باشد

اینگونه دسته‌بندی کرد:

۱- حکومت‌های دیکتاتوری و سلطنتی

۲- حکومت‌های دموکراسی

۳- حکومت‌های اشرافی (آریستوکراسی)

۴- حکومت‌های دینی و اسلامی

بیشتر حکومت‌ها دارای مشکلات و ضعف‌هایی می‌باشند که منجر به ناکارآمدی آنها می‌گردد.

بنابراین به بررسی انواع حکومت‌ها پرداخته و اشکالات وارد بر آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: نظام سلطنتی و دیکتاتوری

حکومت‌های سلطنتی از کهن‌ترین انواع حکومت است و حکومتی است که یک نفر بدون قاعده و

قانون حکومت می‌کند و هر چیزی را مطابق هوی و هوس خود انجام می‌دهد.^۱ فرد حاکم خود را

صاحب قدرت می‌داند و بدون توجه به علایق و نظرات اعضای جامعه، ارزشها و خط مشی‌هایش

را بر جامعه تحمیل می‌کند و حاضر به دخالت مردم در امور حکومت نمی‌باشد.

در این نوع از حکومت قدرت در فرد رهبر متمرکز می‌باشد و او هر گونه انتخابات و رقابت

سیاسی و مشارکت مردمی را سرکوب می‌کند.^۲

ویژگی نظام سلطنتی دیکتاتوری را می‌توان اینگونه بیان کرد:

۱- منتسکیو، شارل، ترجمه علی اکبر مهتدی، ص ۹۳

۲- آستین، رنی، حکومت، آشنایی با علم سیاست، ترجمه لی لا سازگار، ص ۱۵۴

۱- در حکومت سلطنتی، فرمانروا قدرت را از راه توارث به دست می‌آورد یا اینکه از راه سرنگونی نظام حکومتی در یک جنگ داخلی به دست آید و در بین فرزندان ذکور فرمانروایی به گردش درمی‌آید.

۲- شخص حاکم منبع قانون بلکه فراتر از قانون می‌باشد و قدرتی غیرمسئول و نظارت‌ناپذیر است و در مقابل مردم مسئول نیست.

۳- قدرت و اختیارات فرمانروا مطلق و نامحدود است و همه عرصه‌های حیات عمومی و خصوصی و تمام آحاد جامعه را شامل می‌شود.

قدرت حاکم معمولاً از مردم و با رضایت آنان بدست نیامده است.

۴- شاه صاحب اختیار و مالک مردم است نه نماینده و منتخب آنان و مهمترین وظیفه مردم اطاعت و یاری شاه است.

۵- شاه خود را حافظ و هوادار نظم و قانون و عدالت می‌داند.

۶- حاکم با دولت یکسان تلقی می‌شود و دولت متعلق به پادشاه یا حاکم می‌باشد و در اداره امور حکومتی با کسی مشورت نمی‌کند.

۷- زمان تصدی پادشاه نامحدود و مطلق می‌باشد و معین و مشخص نیست.^۱

بند ۱: اقسام حکومت سلطنتی:

۱- ر.ک: کدیور، محسن، حکومت ولایی ص ۱۶۲، عالم عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، ص ۲۹۹، آستین رنی، همان، وینسنت، اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه